

شرایط چگونه است و تولید و سرمایه گذاری اش پایدار و نتیجه بخش است که در صورت تحقق چنین فضایی، منافع کشور هم تامین می شود. اگر دقت کنید در صورتی که قیمت حامل های انرژی ما به قیمت اصلی برسد و یا قیمت واقعی ارز هم مطابقت داده شود بخش عمده ای از سرمایه گذاری ها و فعالیت شمار زیادی از واحدهای تولیدی داخلی فاقد توجیه است و سرمایه گذاری ها و بنیان هایی که برای نسل های بعد از خود گذاشته ایم همین حالا ورشکسته اند. متأسفانه با همه آنچه گفته شد باز هم مطالبه اول و آخر فعالان بخش خصوصی مطالبه انرژی و خوراک ارزان است و به نوعی می توان گفت با جایگزینی مطالباتی منفعت طلبانه از این دست به جای مطالبه اصلاح و بازسازی فضای کسب و کار و فراهم کردن شرایط مطلوب، بخش خصوصی به جیره خور دولت تبدیل شده است. به تبع رفتار دولت، نگاه بخش خصوصی هم به منافذ رانت و منافع یک شبه است. در همین موضوع ارز از آنجا که بخش هایی از بدنه بخش خصوصی، ارز چند نرخی می گیرند و با ارز مبادله ای کالا وارد می کنند و درآمدهای خوبی هم دارند کسبی اعتراضی ندارد.

### در سایه همین شرایط، تصویر روشنی هم از بخش خصوصی وجود ندارد.

درست است. بخش خصوصی بر خلاف انتظار، بسیار پخته، ناکارآمد و بی توجه به بهره وری ظاهر شده است و درک صحیحی از تبعات این وضعیت ندارد.

### در مورد بی توجهی به مقوله ای همچون بهره وری، ممکن است این رفتار از دولت قابل انتظار باشد اما بخش خصوصی چرا در مسیر این بی توجهی گام برمی دارد؟

لازمه دستیابی به بهره وری بالا، هزینه کردن و پذیرفتن هزینه های آن هست. واقعیت اینکه بخش خصوصی ما مایل به پذیرش این هزینه ها نیست و آن را ریسکی می داند در حالی که به منافذ اقتصادی و رانت خوبی چشم دوخته است و مترصد فرصت هایی اینگونه هست. باید اعتراف کنیم که یک بخش خصوصی رقابتی، بهره ور و آینده نگر را در کشور شاهد نیستیم که برای کارآمدی هر چه بیشتر خود تلاش کند و فرصت های نو و متکی به دانش در اقتصاد کشور را رصد و شکار کند. قطعاً روش و منش امروز بخش خصوصی به شکست محکوم است و با وقوع هر تلاطمی در اقتصاد به شرایط دشواری دچار می شود. در این شرایط، شاکله بخش خصوصی باید هم صد مطالبه گر یک اقتصاد سالم و رقابتی در فضای آزاد و محیط پیش برنده باشد. در واقع نباید به فضای ناسالم اقتصادی که در نهایت همه چیز را با خود از بین می برد، تن بدهیم و با آن همراهی کنیم. اینکه اصلاحات ضروری و لازم در اقتصاد با اهداف انتخاباتی گره خورده است هم بخشی از عوارض و نتایج یک محیط نامساعد اقتصادی است. به جای تکیه و تاکید بر یک راهبرد اقتصادی درست و مشخص و دنبال کردن یک مسیر صحیح، اقتصاد در سایه سیاست قرار گرفته و به اقتصادی بیمار، رانتی و وابسته و متکی به نفت تبدیل شده که فساد و رانت، وجوه بارز آن هست.

### می توان اینگونه مطرح کرد که بخشی از اصلاحات اقتصادی و اصلاح ساختار باید در بخش خصوصی صورت گیرد. درست است؟

مطلب درستی است. اگر بخواهیم در درازمدت بخش خصوصی سالم و قوی داشته باشیم باید نگاهمان به اقتصاد عوض شود و به جای منافع فردی، منافع ملی را ببینیم آن وقت به راحتی هر تصمیم نادرست از سوی دولت کنار نمی آیم و به نقد و تحلیل و واکنش نسبت به آن برمی آیم. به خاطر دارم زمانی در ابتدای دولت یازدهم با هیات رئیسه اتاق ایران به دیدار یکی از وزرا رفتیم و در آن نشست انتقاد کردیم که حداقل از شما که در بخش خصوصی کار کرده اید انتظار می رود از این بخش حمایت کنید که بلافاصله سؤال کردند این بخش خصوصی مورد نظر شما دقیقاً چه کسانی هستند؟ گفتیم همین بخش خصوصی حاضر در جامعه شامل فعالان و مدیران بنگاه های اقتصادی غیردولتی. پاسخ دادند اگر مجموعه ای را پیدا کردید که دولت امکان مداخله در مدیریت آن مجموعه و دخالت در انتخاب اعضای هیات مدیره را نداشت و با یک اشاره وزرا و مدیران دولتی در خدمت اهداف دولت درنیامدند و به تعبیری با یک اشاره وزیر به صف نشدند، آنها را به عنوان بخش خصوصی می پذیریم. اشاره و نکته به جایی راوزیر دولت یادآور شدند، بخش خصوصی ما امروز در خدمت دولت است و به واسطه بهره بردن و انتفاع از موهبت این خدمتگزاری، اوج نگرفته و به استقلال لازم دست نیافته است. معتقدم بخش خصوصی سالم و مقتدر حتی می تواند بخشی از بار نظارت بر عملکرد دولت و مدیران آن را هم بر عهده بگیرد تا آزمون و خطای مدیران دولتی، هزینه کمتری روی دست اقتصاد و جامعه بگذارد؛ کاری که بخش خصوصی نحیف و وابسته در صف حاتم بخشی های دولت، قادر به آن نیست.

با نظر شما موافقم اما آیا دولت، مسئولیتی در زمینه فراهم کردن بستر لازم و مناسب برای پا گرفتن و اقتدار یک بخش خصوصی کارآمد و قوی ندارد؟ آیا این صحبت ها ناقض مسئولیت دولت در این زمینه نیست؟  
حتماً دولت در این زمینه مسئولیت هایی دارد که به آنها هم عمل نکرده است اما انتظار از دولت

بنا به شواهد تاریخی و پیشینه رفتاری آن، انتظار عبث و بی سرانجامی است. وقتی نگاه این باشد که با تقویت و پا گرفتن بخش خصوصی، پایه دولت های غیر منضبط و ناکارآمد به لرزه در می آید، قطعاً در این زمینه رویداد مثبتی را شاهد نخواهیم بود چنانچه اگر بخش خصوصی منتقد، ناظر و مستقل داشتیم امروز از هدر رفت صدها میلیارد دلار در آمد نفتی دولت های نهم و دهم صحتی در میان نبود و دولت امکان و فرصت مجموعه ای از آزمون و خطاها و خسارت آفرینی ها را نمی یافت. در این شرایط، سرمایه های کشور مشابه مورد ذکر شده، سوخت می شود و نه تنها در خدمت منافع ملی قرار نمی گیرد که دود آن هم تا سالیان سال به چشم مردم خواهد رفت. به عنوان یک رسالت ملی دولت، حمایت از بخش خصوصی، مطرح است اما در عمل نمی توان به این موضوع خوش بین بود.

### جناب جلالپور چه ضرورت هایی در این وضعیت بغرنج، بیشتتر رخ می نماید و به چشم می آید؟

جامعه ما و بخش خصوصی ما باید در جهت شکل گیری نهادهای مدنی، گام های جدی و محکمی بردارد؛ چیزی که امروز به عنوان یک نیاز اصلی و اولویت دار می توانیم آن را مطرح کنیم، نهادهای مدنی و تشکل های بخش خصوصی می توانند مطالبات جامعه، مردم و گروه های مختلف را علمی و دقیق کنند و آنها را در مسیر منافع ملی جهت دهی کنند. اینکه منابع کشور را در قالب یارانه های خرد و فاقد کارآمدی لازم به مردم پرداخت کنیم و شاهد سخت تر شدن شرایط به صورت مداوم هم باشیم کشتاندن جامعه و مردم به مسیر یک «ورشکستگی بدون تقصیر» است که در ظاهر مسئولیتی هم متوجه هیچ یک از مسئولان و مدیران دولت نمی کند. آیا بهتر نبود مطالبه مردم و جامعه، سرمایه گذاری منابع یارانه ای در جهت اشتغالزایی و تولید باشد؟ چه پاسخی برای این سؤال وجود دارد که منابع عظیمی از این دست را تلف می کنیم و همزمان بنا به آمار منتشر شده بانک مرکزی، شاهد ۵ میلیون خانوار ایرانی هستیم که حتی یک نفر شاغل هم در خانواده خود ندارند و چیزی حدود ۲۶ درصد خانوارهای ایرانی را شامل می شوند. یک ضرورت قابل ذکر و حائز اهمیت در این شرایط، آگاهی بخشی رسانه ها به مردم و به میدان آمدن احاد جامعه برای مطالبه اصلاحات اقتصادی است و گر نه بازگویی این مسائل در نشست های بام تا شام مدیران دولتی چنانکه تاکنون گره گشا و موثر نبوده، باز هم نخواهد بود.

### از اصلاحات اقتصادی به عنوان یکی از مطالبات بخش خصوصی نام بردید. چرا تا به امروز به نتایج مثبتی در این زمینه نرسیده ایم؟

به عنوان اولین نیاز کشور که خلاء آن کاملاً محسوس است استراتژی توسعه را مطرح می کنم. یازده دولت از ابتدای انقلاب هر کدام تلاش هایی کرده اند و دستاوردهایی داشته اند و البته سعی و خطاها هم کم نبوده و آسیب هایی که این چرخه آزمون و خطا به بار آورده است. چشم انداز بیست ساله خوبی را مقام معظم رهبری مطرح کرده اند که جایگاه رفیعی هم در سیاستگذاری ما دارد اما استراتژی توسعه برای دستیابی به اهداف چشم انداز ذکر شده نداریم. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اگر در سالهای تحریم کمرنگ نمی شد می توانست کارگشا باشد. رفتار و عملکرد دولت ها در این سالیان، نه در تکمیل تلاش هم و در تداوم راه سند چشم انداز که گاهی شبیه روش مار و پله و در تقابل با اندیشه و برنامه اقتصادی هم بوده است و همین شرایط سبب عقب ماندگی ها شده است.

بر همین اساس، برای تحقق اهداف چشم انداز، اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران یک ضرورت است که رهای اقتصاد از وابستگی به نفت، رقابتی شدن اقتصاد و شکل گیری بخش خصوصی کارآمد را به همراه خواهد داشت. بر این نکته تاکید می کنم که رقابتی شدن اقتصاد در فضایی شفاف و بسالم اتفاق می افتد که در آن بنگاه های اقتصادی و واحدهای تولیدی ما نه به اتکالی دریافت انرژی ارزان که با تکیه بر توان مدیریتی، تخصص و دانش افزایشی حرکت خواهند کرد و اقتصاد دانش بنیان در کشور محقق خواهد شد.

### سوال آخر اینکه، استراتژی توسعه مدنظر جنابعالی چه راه هایی را برای بخش خصوصی، هموار خواهد کرد؟

اقتصاد ما در حال حاضر به آب گل آلود می ماند که عمق آن با همه مخاطرات و حتی فوایدی که ممکن است داشته باشد، نامشخص است. استراتژی توسعه با هدایت اقتصاد کشور به سمت یک اقتصاد شفاف، بستر سرمایه گذاری و افزایش میل و رغبت سرمایه گذاران داخلی و خارجی را فراهم می کند. مشخص خواهد شد که منابع داخلی را به کدام سمت و سو باید سوق دهیم و سرمایه گذاری خارجی را برای دستیابی به چه اهدافی نیاز داریم. امروز در نقطه مقابل چنین شرایطی هستیم و مشخص نیست اولویت های سرمایه گذاری ما کدام است؟ همین حالا طرح هایی را شاهدیم که سرمایه گذاری در آنها، آزمون راه هایی آزموده شده و پاسخ نداده است که باید به این راه و روش خاتمه دهیم. خوش بینانه می توانیم بگوییم می دانیم که در چه زمینه هایی نیاز به سرمایه گذاری داریم اما توجه نداریم که در چه زمینه هایی نباید سرمایه گذاری کرد و فاقد نتیجه مورد انتظار و لازم است.